

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۴

پایه پنجم ۵ ساله
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	محل: ۹۰ دقیقه
شناسه یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شناسه یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد آزمون:	۲۹۴۱/۱۵
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۵
عنوان:	فقه استدلالی ۳
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
مجموعه:	جلد اول: حج (ص ۳۰۱-۲۳۹) به استثنای محرمات احرام (ص ۳۰۱-۲۸۴)؛ و جلد دوم: بیع (ص ۵۳-۱۲)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- حکم «حج» کسی که حج را با ترک درمان ضروری به جا آورده است، چیست؟ ج ۱ ص ۲۴۱ و ۲۴۴

- الف. لم يقع مصادقاً لحج الاسلام مع كونه أثماً ☐
- ب. وقع مصادقاً لحج الاسلام و لا يكون أثماً ☐
- ج. لم يقع مصادقاً لحج الاسلام لكونه أثماً ☐
- د. وقع مصادقاً لحج الاسلام مع كونه أثماً ☒

۲- زمان کوچ اول از «منی» کدام است؟ ج ۱ ص ۲۸۰ و ۲۸۱

- الف. قبل از زوال روز دوازدهم ☐
- ب. بعد از زوال روز دوازدهم ☒
- ج. قبل از زوال روز سیزدهم ☐
- د. بعد از زوال روز سیزدهم ☐

۳- کدام گزینه به ترتیب از شروط «متعاقدين» و «عوضين» می باشد؟ ج ۲ ص ۱۸ و ۲۴

- الف. القدرة على التسليم - ملكية العوضين ☐
- ب. ملكية العوضين - القدرة على التسليم ☐
- ج. مالکية التصرف - القدرة على التسليم ☒
- د. القصد و العقل - مالکية التصرف ☐

۴- اگر بايع به اعتماد توصيف مبيع را تحويل بگیرد و متوجه خلاف آن شود کدام «خيار» برایش ثابت می شود؟ ج ۲ ص ۳۸ س ۱۳

- الف. خيار وصف ☐
- ب. خيار شرط ☐
- ج. خيار رؤيت ☒
- د. خيار غبن ☐

۵- در مورد تعميم و يا اختصاص «ردّ به عيب» و «أرش» کدام گزینه به ترتيب صحيح می باشد؟ ج ۲ ص ۳۶

- الف. يعم جميع المعاملات - يعم جميع المعاملات ☐
- ب. يعم جميع المعاملات - يختص بالبيع ☒
- ج. يختص بالبيع - يعم جميع المعاملات ☐
- د. يختص بالبيع - يختص بالبيع ☐

۶- بيع «سلف» در کدام مورد جايز است؟ ج ۲ ص ۴۹

- الف. فروختن گندم در قبال نقره ☒
- ب. فروختن نقره در مقابل نقره ☐
- ج. فروختن طلا در مقابل نقره ☐
- د. فروختن گندم در قبال جو ☐

۷- با توجه به عبارت «مَنْ كَانَ بِحَاجَةٍ إِلَى دَارٍ ... يَلْزِمُهُ تَقْدِيمُ الْحَجِّ إِلَّا مَعَ لُزُومِ الْحَرَجِ وَ يَكْفِي عَلَى التَّقْدِيمِ صَحِيحَةٌ «مَا يُعْنَى بِذَلِكَ؟ (من استطاع إليه سبيلاً) قال: مَنْ كَانَ صَحِيحاً فِي بَدَنِهِ، مُخْلِئاً سُرْبَهُ، لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ» به موارد زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۲۴۱ و ۲۴۳ و ۲۴۶-۲ نمره
الف) کیفیت استدلال به روایت، برای تقدیم حج بر خرید خانه را بیان کنید.

جواب: در روایت استطاعت به داشتن زاد (غذا) و راحله (مركب) تفسیر شده است که با وجود آن ها حج بر انسان واجب می شود و بحثی از داشتن خانه یا چیز دیگر نکرده است. لذا حج بر خرید خانه مقدم می شود.

ب) چرا با لزوم حرج، وجوب حج منتفی می شود؟

جواب: زیرا قاعده نفی حرج بر تمامی ادله اولیه مانند وجوب حج بر مستطیع مقدم می شود.

۸- کیفیت استدلال به صحیحہ «مِنْ أَيْنَ يَجْرَدُ الصَّيْبَانِ؟ فَقَالَ: كَانَ أَبِي يَجْرَدُهُمْ مِنْ فَخٍّ» برای وجوب پوشیدن لباس احرام را نوشته و

اشکال این استدلال را بیان کنید. ج ۱ ص ۲۵۵ - ۲ نمره

جواب: کیفیت استدلال: اگر پوشیدن لباس احرام واجب نمی بود دلیلی نداشت که حضرت بیرون آوردن لباس کودکان را تا رسیدن به فحّ به تأخیر بیندازد بلکه در صورت عدم وجوب، مناسب این بود که اصلاً لباس آنها را بیرون نمی آوردند.

اشکال استدلال (فعل امام عام است و شامل افعال واجب، مستحب و مباح می شود) لذا دلیلی نداریم که حتماً بر وجوب عمل دلالت نماید بلکه نهایتاً می توان گفت که فعل حضرت بر رجحان عمل دلالت می کند.

۹- چگونه صحیحہ «مَتَمَتُّ حَلْقَ رَأْسِهِ بِمَكَّةَ. قَالَ: ... أَنْ تَعْمَدَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ شَهْرِ الْحَجِّ بِثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ تَعَمَّدَ بَعْدَ الثَّلَاثِينَ يَوْمًا أَلَّتِي يُوفَّرُ فِيهَا الشَّعْرُ لِلْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمًا يَهْرِيْقُهُ» بر حرمت حلق بعد از سعی در عمره تمتع دلالت می کند؟ توضیح دهید. ج ۱

ص ۲۶۶ - ۲ نمره

جواب: حضرت فرمودند: اگر کسی که عامدانه پس از گذشت سی روز از ماه شوال سرش را بتراشد باید کفاره بدهد و عرفاً زمانی کفاره واجب می شود که عمل حرام باشد. لذا تراشیدن سر بعد از سعی در عمره تمتع حرام می باشد.

۱۰- چگونه صحیحہ «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الضَّعَفَاءِ أَنْ يَفِيضُوا عَنْ جُمُعٍ بَلِيلٍ وَ أَنْ يَرْمُوا الْجُمُرَةَ بَلِيلٍ ...» بر وجوب رمی

جمره عقبه در روز دهم دلالت می کند؟ ج ۱ ص ۲۷۱ تا ۲۷۳ - ۲ نمره

جواب: از آنجا که «ال» در «الجمرة» عهد است معلوم می شود مراد از جمرة، جمرة عقبه است و از طرفی هم چون حضرت به ضعفاء از باب تخفیف اجازه دادند که شب هنگام رمی جمرة را انجام دهند معلوم می گردد رمی جمرة عقبه در روز دهم واجب است و اجازه به ضعفاء به خاطر این است که در طول روز به خاطر ازدحام جمعیت اذیت نشوند.

۱۱- مراد از «اتقی» در آیه شریفه «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى» (بقرة: ۲۰۳) چیست؟ ج ۱ ص ۲۸۱ - ۱ نمره

جواب: مراد از «اتقی» در آیه صید نکردن محرم می باشد.

۱۲- کیفیت استدلال به آیه شریفه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» را برای اثبات ملکیت در معاواة تبیین نمائید. ج ۲ ص ۱۶ - ۲ نمره

جواب: تمسک به اطلاق آیه شریفه «أحل الله البيع» زیرا مراد از حلّیت اگر حلّیت وضعی باشد که معنایش نفوذ و امضاء است و مطلب ثابت است و اگر تکلیفی باشد چون احتمال حرمت تکلیفی خود بیع داده نمی شود پس مراد اباحه تصرفات مترتب بر بیع است و لازمهاش صحت بیع و افاده ملکیت است. و معاطات هم یکی از افراد بیع است.

۱۳- روایت «قدم جلب فأعطاني النبي صَلَّى الله عليه وآله ديناراً فقال: اشتري بها شاة فاشترت شاتين بدینار فلحقني رجل فبعث إحداهما منه بدینارٍ ثم أتيت النبي بشاة و دينارٍ فردّه عليّ و قال: بارک الله لك ...» چگونه بر صحت «بیع فضولی» دلالت می کند؟ اشکال شیخ انصاری (ه) بر

دلالت آن را بنویسید. ج ۲ ص ۲۱ و ۲۲ - ۲ نمره

جواب: هنگامی که عروه بارقی با پول پیامبر صَلَّى الله عليه وآله دو گوسفند خرید و بدون اجازه ایشان یکی از گوسفندها را به شخص دیگری فروخت سپس با یک دینار و یک گوسفند خدمت پیامبر رسید. حضرت به وی فرمود بارک الله. که این جمله بیانگر امضاء و اجازه پیامبر نسبت به بیعی است که عروه بدون اجازه پیامبر انجام داده است. اشکال شیخ انصاری: احتمال دادند که کار عروه بارقی به اعتبار رضایت پیامبر صَلَّى الله عليه وآله از این کار بوده و لذا روایت از حالت فضولی خارج می باشد.

۱۴- آیا آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) بر «وجوب تکلیفی» وفاء به شرط دلالت دارد؟ چرا؟ ج ۲ ص ۳۲ و ۳۳ - ۲ نمره

جواب:

آری، زیرا در آیه شریفه امر، به وفای به عقد تعلق گرفته است. یعنی وفای به عقد واجب است و از طرفی چون شرط هم چیزی است که عقد بر آن صورت گرفته است لذا وفای به عقد متوقف بر وفای به شرط است و چون وفای به عقد واجب است وفای به شرط نیز وجوب تکلیفی دارد. (رساندن مفهوم کافی است)

۱۵- حکم فرع «بیع الاوراق النقدیه بعضها بالآخر مع اتحاد العملة و مع فرض التفاصيل فی المالیة» در صور زیر چیست؟ چرا؟ ج ۲ ص ۴۳ -

۲ نمره

الف) اذا افترض كون العوضين شخصيين: جواب: جایز است زیرا اوراق نقدیه از قبیل مکیل و موزون نیستند.

ب) اذا افترض كون العوض نسيئةً فی الذمه: جواب: جایز نیست زیرا واقعیت این معامله قرض است نه بیع. زیرا شرط بیع وجود مغایرت بین ثمن و مثن است و در این جا مغایرتی نیست. و تفاضل در قرض ربا بوده و حرام می باشد.